

راهنمای پژوهش در مورد حضرت خدیجه علیها السلام
 آیه الله سید محمد رضا حسینی جلالی / ترجمه: عبدالحسین طالع
 علمی - پژوهشی
 فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
 سال بیست و دوم، شماره ۸۶ «ویژه پژوهش های حدیثی»، بهار ۱۴۰۴، ص ۹ - ۲۸

راهنمای پژوهش در مورد

حضرت خدیجه علیها السلام

آیه الله سید محمد رضا حسینی جلالی

ترجمه: عبدالحسین طالع^۱

چکیده: این مقاله، راهنمای پژوهش در باره جناب خدیجه بنت خویلد، همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله است، که از مقاله مؤلف فقید به زبان عربی ترجمه شده است. مؤلف نکاتی در مورد حضرت خدیجه در دوازده عنوان آورده است: ویژگی های شخصی، اسلام آوردن او، جایگاه او نزد پیامبر و فضائل او، برتری او بر دیگران، برخورد عایشه با او، بستگان و دیگر نزدیکان او، خانه خدیجه، وفات و مزار او، کتابهای مستقل و فهرست منابع در مورد او. مقاله بر اساس کتابهای شناخته شده شیعه و سنی نوشته شده است.

کلیدواژه ها: خدیجه بنت خویلد - شرح حال و فضائل؛ همسران پیامبر - خدیجه؛ کتابشناسی؛ تاریخ صدر اسلام.

پژشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

اشاره

در آغازین روز ماه رمضان ۱۴۴۶ هجری قمری رحلت یکی از پژوهندگان شاخص علوم حدیث، ضایعه‌ای در جهان علم وارد کرد. در این روز آیه‌الله سید محمدرضا حسینی جلالی پس از هشت دهه زندگی پربار و بار در مسیر تحقیق و تعلیم و ترویج حدیث اهل بیت علیهم‌السلام درگذشت. مجله سفینه که از نخستین روزهای انتشار، از تأیید و حمایت و ارشاد او برخوردار بود، وظیفه خود دید که در حد بضاعت مختصر، یاد آن فقید را زنده نگاه دارد. برای این هدف، ترجمه مقاله‌ای از ایشان در مورد حضرت خدیجه کبری ام‌الائمه و ام‌المؤمنین را برای این شماره برگزیدیم.

این گفتار، ترجمه مقاله‌ای است که استاد جلالی حدود ربع قرن پیش، به زبان عربی تحت عنوان «عناوین هامة فی ترجمة السيدة خديجة و مصادرها» در مجله عربی علوم الحدیث شماره ۱۱، محرم ۱۴۲۳ ق. ص ۱۱۸-۱۴۰ درج شده است.^۱ سبک نگارش آن به شیوه نکته‌گویی و ارائه مستندات شیعه و سنی بدون تحلیل و نقد و بررسی مطالب است. طبع مرحوم جلالی به نقادی و تحلیل گرایش داشت، چنانکه آثار ماندگار ایشان بر این حقیقت گواه است. لذا محتوای این مقاله را باید نقطه آغازی بر پژوهش‌های مربوط به حضرت خدیجه دانست؛ لذا نه جامع است و نه مانع. ولی از ترتیبی زیبا و رسا برخوردار است و تدوین همین اطلاعات دانشنامه‌ای فرصتی مغتنم برای تحقیقات مربوط به این بانوی بزرگوار فراهم می‌آورد.

مجله سفینه انتشار نخستین مقاله خود در مورد حضرت خدیجه را مجالی برای عرض ادب به آستان بلند بانوی بهشت می‌داند و امید می‌برد که پدیدآورندگان این نوشتار، به ویژه مؤلف فقید، بدین وسیله، از شفاعت آن بزرگوار بهره مند شوند.

۱. باید دانست که مقاله در آن مجله با عنوان «التحریر» امضاء شده است، مانند شماری دیگر از مقالات مرحوم جلالی که بدین شیوه آنها را امضاء می‌کرد. ولی مترجم در زمان حیات، از ایشان شنیده بود که این گروه مقالات، در شمار نگاهشته‌های ایشان هستند.

یکم. ویژگی‌های شخصی

۱. کنیه: أمّ هند. (المنتخب من ذیل المذیل علی الطبری ص ۲، بحار الأنوار ۱۲: ۱۶).
۲. القاب: الف. طاهره. در دوره جاهلیت آن گرامی را «طاهره بنت اسد» می‌خواندند. (المعجم الكبير، طبرانی ۲۲: ۴۴۸).
- ب. المتفرّسة. بنا بر این حدیث: عن أنس: سمعت علي بن أبي طالب عليه السلام يقول: المتفرّسون في الناس أربعة امرأتان ورجلان: وعدّ صفرا بنت شعيب. وخديجة بنت خويلد. (تاریخ بغداد ۱۰/۳۵۷، الغدير ۵: ۳۱۸).
- ج. مبارکه. بنا بر حدیث قدسی خطاب به حضرت مسیح در وصف پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله: نسله من مبارکه وهي ضرة أمك في الجنة... الخبر. (بحار الأنوار ۲۱: ۳۵۲).

۳. تزویج:

الف. زمان تزویج: ۴۰ ساله بود که به تزویج پیامبر درآمد، ۲۴ سال با پیامبر زیست و هنگام وفات، ۶۴ سال و ۶ ماه داشت. سنّ پیامبر در زمان ازدواج با ایشان را ۲۱، ۲۵ و ۳۳ سال دانسته‌اند. (شرح أصول الكافي مولی مازندرانی ۷: ۱۴۳).

ب. مهریه:

از ابن عباس روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی آن بانو را به عقد خود در آورد که بیست و هشت سال داشت، و مهریه او ۱۲ اوقیه بود. (بحار الأنوار ۱۲: ۱۶). ج. سال ازدواج: ده سال پس از آنکه قریش کعبه را ویران کردند و دوباره ساختند. به نظر ابن اسحاق، سال ۳۵ از تولد پیامبر بود. (تاریخ طبری ۲: ۳۶-۳۷).

د. روز ازدواج: دهم ربیع الاول در ۲۵ سالگی پیامبر (مصباح المتهجد ص ۷۹۱). ابن طاووس در اقبال الاعمال ۳: ۱۱۵ روزه این روز را به شکرانه این رویداد مهم مستحب می‌داند. (بحار الأنوار ۹۸: ۳۵۷)

ه. خواستگاری جناب ابوطالب: سخنان جناب ابوطالب در این خواستگاری در منابع زیر آمده است: مناقب آل أبي طالب ابن شهر آشوب (۱: ۳۹)، الطرائف ابن طاووس (ص ۳۹۷-۳۰۷)، مناقب ابن المغازلی، إعجاز القرآن باقلانی (ص ۱۵۳)، صبح الأعشى (۲۱۳/۱)، الغدير (۷: ۲۷۴)، طبقات ابن سعد (۱: ۱۱۳)، تاریخ الطبری (۱/۲۲۷)، أعلام الماوردي (ص ۱۱۴)، صفوة الصفوة ابن الجوزي

(۲۵/۱)، الکامل ابن الأثیر (۱۵/۲)، تاریخ ابن کثیر (۲۹۴/۲)، تاریخ الخمیس (۲۹۹/۱)، عیون الأثر (۴۹/۱)، أسد الغابة (۴۳۵/۵)، الروض الأنف (۱۲۲/۱)، تاریخ ابن خلدون (۱۷۲/۲)، المواهب اللدنیة (۵۰/۱)، السیرة الحلبیة (۱۴۹/۱-۵۰۱)، شرح المواهب للزرقانی، سیرة زینبی دحلان هامش الحلبیة ۱/۱۱۴. نیز: المجموع نووی (۱۲۹/۱۶-۱۳۰)، جواهر العقود منهاجی الأسیوطی (۳/۲)، تاریخ ابن خلدون (ق ۲ ج ۲ ص ۵۰)

در منابع شیعی:

ابن معصوم مدنی در الدرجات الرفیعة ص ۵۱ این سخنان را دلیل بر ایمان جناب ابوطالب می داند. در منابع شیعه در کتابهای زیر آمده است: الکافی (۳۷۴/۵)، من لا یحضره الفقیه (۳: ۲۵۱) الحدیث (۱۱۹۸) و (۳/ ۳۹۷ ح ۴۳۹۸)، المسح علی الرجلین شیخ المفید (ص ۲۹)، المهدّب البارع (۳: ۱۷۷)، مرآة العقول (۲۰: ۹۸-۹۹)، عوالي اللالی ابن ابي جمهور الأحسانی (۳: ۲۹۸ ح ۷۸) به نقل از کتاب النکاح کافی، باب خطبة النکاح، بحار الأنوار (۱۴: ۱۶-۱۳) و (۱۶: ۱۹)، مستدرک الوسائل (۱۴: ۲۰۲) [گوید: این خطبة را ابن شهر آشوب در کتاب مناقب از گروه زیادی نقل کرده است]. و. قربانی: ابوطالب در این مراسم یک شتر ماده قربانی کرد. (المهدّب البارع ۱/۱۷۷).

ز. سخن ناروا: ابن سعد در الطبقات الکبری ۱۳۲/۱-۱۳۳ این نسبت ناروا را بیان کرده که جناب خدیجه پدرش را با شراب مست کرد و سپس به او خبر داد که محمد مرا به همسری گرفته است. پدرش مخالفت کرد که چرا با وجود بزرگان قریش چنین کردی؟ این مطالب را زهری بیان می کند. ولی اهل علم آن را باطل می دانند.

محمد بن عمر گوید: این سخنان در نظر ما ناروا است. کلام صحیح در نظر اهل علم این است که پدرش خویلد بن أسد قبل از فجار درگذشت، و عمویش عمرو بن أسد او را به تزویج رسول الله ﷺ در آورد. در الطبقات الکبری (۱: ۱۳۲) این مضمون را از محمد بن جبیر بن مطعم و عائشة و ابن عباس آورده است. مجلسی در بحار الأنوار (۱۶: ۱۹ و ۱۲) نیز آن را نقل کرده است.

در الطبقات الکبری (۸: ۱۴) گوید: این مطلب مورد اجماع اصحاب ما است، بدون اختلاف. نیز در همان کتاب (۱: ۱۳۲) به روایت از ابن عباس گوید: عمرو بن أسد بن عبد العزی بن قصی، خدیجة بنت خویلد را به تزویج پیامبر ﷺ در آورد، در زمانی که پیرمردی

بود و تنها بازماندهٔ اُسد بود و خودش نیز فرزندی نداشت. نیز بنگرید: تاریخ یعقوبی (۲: ۲۰)، تاریخ الطبری (۲: ۳۵)، البداية والنهاية ابن کثیر (۲: ۳۶۱)، عیون الأثر ابن سید الناس (۱: ۷۲). پس از نقل آن از واقدي گوید: آن را از دیگران نیز نقل می‌کنم. صالحی در سبل الهدی (۲: ۱۶۶-۱۶۵) گوید: بیشتر اهل سیره گفته‌اند که عمویش او را به تزویج پیامبر درآورد. سهیلی این کلام را صحیح می‌داند، به دلیل روایت طبری از جبیر بن مطعم وابن عباس وعائشة. واقدي نیز این نظر را ترجیح داده و مطالب مخالف آن را غلط می‌داند. عمر المؤملی این نظر را مورد اجماع می‌داند و سهیلی همین را ترجیح داده که از ابن عباس وعائشة نقل می‌کند.

ح. تعدّد همسران خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر و اختلاف نظر در باب آن

در کتاب المحترّ لابن حبیب البغدادي (ص ۴۵۲) آمده: خدیجة بنت خویلد رضي الله عنها با أباهالة هند بن النباش الأسیدی ازدواج کرده و پسری به نام هند زاده بود. سپس با عتیق بن عابد ازدواج کرد و هنده را زاد، آنگاه به تزویج رسول الله ﷺ در آمد. در منابع زیر نیز همین مطالب آمده است: اُسد الغابة (۶/ ۷۸ رقم ۶۸۶۷)، شرح أصول الکافی مازندرانی (۱۴۳/ ۷)، شرح الأخبار مغربی (۳: ۱۵)، البداية ابن کثیر (۳۱۴/ ۵) نقل از زهري. ولی در تاریخ الطبری (۲/ ۴۱۰-۴۱۱) دیدگاه دیگر آورده است. در بارهٔ همسران ایشان بنگرید: شرح الأخبار مغربی (۱/ ۱۸۳)، مروج الذهب (۲/ ۲۷۵)، الأنوار بکری (ص ۲۷۸)، محمد وعليّ وبنوه الأوصیاء شیخ العسکری (۱/ ۱۳۴ و ۴۱)، مناقب ابن شهر آشوب (۱/ ۴۱).

اما گروهی تزویج حضرت خدیجه را قبل از پیامبر منکر شده‌اند، و این فرزندان را ربیبه (فرزندخواندهٔ خدیجه) می‌دانند، مانند: خصیبي در الهداية الكبرى (ص ۳۹)، أبو القاسم کوفي در الاستغاثة (ص ۶۸)، التعجب کراچکی (ص ۳۵). در مناقب ابن شهر آشوب ۱/ ۱۳۷ آمده که نخستین ازدواج آن بانو با پیامبر بود.

دوم. اسلام آوردن خدیجه

۱. مستندات مسلمان بودن خدیجه

در منابع زیر بر مسلمان بودن حضرتش تصریح شده است: مسند أحمد (۱: ۲۰۹)، خصائص أمير المؤمنين (ع) نسائي (ص ۴۵)، تاریخ طبری (۲: ۲۱)، الرياض النضرة (۲/ ۱۵۸)، الاستيعاب

(۴۵۹/۲)، عیون الأثر (۹۳/۲)، الكامل ابن الأثیر (۲:۲۲)، السیرة الحلبیة (۲۸۸/۱)، الإصابة (۴۸۷/۲)، الغدیر (۲۲۶:۳)، المناقب خوارزمی (ص ۲۰)، مسند أبی یعلی الموصلی (۱۱۸/۳)، تاریخ الطبری (۲/۲۱)، السیرة الحلبیة (۲۸۸/۱)، المناقب خوارزمی (ص ۵۶)، شواهد التنزیل حسانی (۲/۲۲۲ ح ۹۳۷)، شرح نهج البلاغة ابن أبی الحدید (۱۳/۲۲۵)، خصائص النسائی (ص ۳۶) نقل از عقیف الکندی، تاریخ الطبری (۲:۵۶)، المعجم الکبیر طبرانی (۱۰۳۹۷/۱۰:۱۸۳) و (۱۰۱/۱۸) و (۱۰۲/۱۸)، شرح نهج البلاغة (۴:۱۲۰)، ضعفاء العقیلی (۲۷/۱)، الكامل ابن عدی (۴۰۰/۱-۳۹۹)، المحبّر ابن حبیب (ص ۹ و ۴۰۸)، تاریخ الیعقوبی ۲۳/۲.

۲. نخستین بانویی که اسلام آورد.

دانشوران شیعه و سنی چنین گفته‌اند: الفصول المختارة شیخ المفید (ص ۲۵۸)، الإرشاد (۱:۲۹)، بحار الأنوار (۱۸:۲۰۸)، ذخائر العقبی طبری (ص ۵۹)، تاریخ الطبری (۲:۵۳ و ۶۱).

سوم. جایگاه او نزد پیامبر

۱. یار و همراه پیامبر. خدیجه یار همراه پیامبر بود که اسلام را تصدیق کرد و رسول الله ﷺ به او آرامش می‌یافت. أسد الغابة (۶/۷۸) رقم ۶۸۶۷، بحار الأنوار (۱۶ ص ۱۰).
۲. ارث بردن پیامبر ﷺ از ایشان: الإفصاح شیخ المفید (ص ۲۱۲)
۳. ثروت ایشان: الإفصاح شیخ المفید (ص ۲۱۷)، مسند أحمد (۱۱۷:۶)، سیر أعلام النبلاء (۱۱۷:۲)، کنز العمال (۲:۱). شوکانی در فتح القدیر (۵: ۴۵۸) در تفسیر آیه (و وجدك عائلاً) گوید: تو را به سبب اموال خدیجه بنت خویلد غنی کرد.
۴. شعر خدیجه: در الغدیر (۲:۱۷) این شعر خدیجه را در فضیلت پیامبر ﷺ نقل می‌کند:

نطق البعیر بفضل أحمد مخبرا	هذا الذي شرفت به أم القرى
هذا محمد خير مبعوث أتى	فهو الشفيع وخير من وطئ الثرى
يا حاسديه تمزقوا من غيضكم	فهو الحبيب ولا سواه في الوری

۵. حدیث او: مسند أبی یعلی الموصلی ۵۰۴/۱۲

۶. آشنایی او با علیؑ: جواهر المطالب فی مناقب الإمام علي لابن الدمشقي ۳۹-۱/۴۰

۷. دعوت پیامبر در یوم الدار در خانه‌اش بود: قرب الإسناد حمیری (ص ۳۲۵). در باره یوم الدار بنگرید: تاریخ الطبری (۳۱۱:۲)، کنز الفوائد (۱:۲۶۲)، مصباح الأنوار (۷۵)، کفایة الطالب (۱۲۸)، مناقب خوارزمی (ص ۲۱)، و با اختلاف اندک در مسند أحمد (۱:۲۰۹)، الضعفاء الكبير عقيلي (۱:۲۷) و هامش آن، المستدرک حاکم (۳:۱۸۳)، الإصابة (۲:۴۸۷)، الاستیعاب (۳:۳۲)، مناقب ابن شهر آشوب (۲:۱۸)، الكامل ابن الأثیر (۲:۵۷)، إعلام الوری (ص ۴۹)، بحار الأنوار (۲۴۴: ۳۸ ح ۴۰) نقل از آن.
۸. همراهی با بنی هاشم در شعب ابی طالب: تاریخ یعقوبی (۲:۳۱)، تاریخ الطبری ۲: ۷۴.

چهارم. فضائل آن بانو

۱. توصیف خانه او در بهشت: المصنّف عبد الرزّاق صنعاني (۱۱/۴۳۰)، شرح الأخبار مغربي (۳/۱۸)، العمدة ابن البطريق (ص ۳۹۳)، صحيح مسلم (۷/۱۳۳)، صحيح بخاري (۳/۶۳) كتاب مناقب الانصار باب (۲۰)، صحيح مسلم (۴۴) كتاب فضائل الصحابة باب ۱۲ ح ۷۱ ص ۱۸۸۷. سهيلي گوید: «وإنما يعني قصب اللؤلؤ؛ لأنها حازت قَصَبَ السبق إلى الإيمان، لا صخب فيه ولا نصب؛ لأنها لم ترفع صوتها على النبي ﷺ ولم تُتعبه يوماً من الدهر! فلم تصخب عليه يوماً ولا آذته أبداً!» فتح الباري (۷/۱۳۳)، مسند أحمد ۵۸/۶.

۲. برترین بانوی بهشت: مسند أحمد بن حنبل (۱/۲۹۳) و (ص ۳۲۲)، الاستیعاب ابن عبد البر در هامش الإصابة (۴/۲۸۴)، المستدرک حاکم (۳/۱۶۰) و (۲ ص ۴۹۷)، تلخیص المستدرک ذهبی ذیل المستدرک (۳/۱۶۰) که حدیث را صحیح می‌داند، ذخائر العقبی طبری (ص ۴۲)، أسد الغابة (۵/۴۳۷)، الإصابة (۴/۳۷۸)، ینابیع المودة قندوزي (۱۷۲ و ۱۷۳ و ۲۴۶ و ۱۹۸) ط اسلامبول و (ص ۲۰۲ و ۲۰۴ و ۲۳۴) ط الحیدریة.

- در إحقاق الحق (۱۰ ص ۵۲) آن را نقل کرده از: مشکل الآثار طحاوي (۸/۱۴)، الاعتقاد بیهقي (ص ۱۶۵)، تاریخ الإسلام ذهبی (۲/۹۲)، تذهیب التهذیب ذهبی (ص ۱۳۴)، البداية ابن کثیر (۲/۵۹)، تهذیب التهذیب ابن حجر (۱۲/۴۴۱)، کنز العمال (۱۳/۲۶) ط ۲ حیدر آباد، منتخب الكنز در هامش مسند أحمد (۵/۲۸۴)، الخصائص سیوطي (۲/۲۹۵) ط عبد اللطيف بمصر، الجامع الصغير سیوطي (۱/۱۶۸)، طرح التثريب (ص ۱۶۹)، إرشاد الساري (۶/۱۶۸)، البيان والتعريف حمزاوي (۱/۱۲۳)، وسيلة المآل حزمي (ص ۸۰)، حسن الأسوة (ص ۳۱)، الفتاح الكبير نبهاني (۱/۲۱۴)، أرجح المطالب (ص ۲۴۰ و ۲۴)، ذخائر

العقبی طبري (ص ۴۲)، مستدرک حاکم (۱۸۵/۳)، مسند أبویعلی الموصلي، معجم طبراني و أحمد، تفسیر الدر المنثور (۲۴۶/۶)، تهذیب التهذیب ابن حجر ضمن شرح حال فاطمة بنت رسول الله ﷺ (۴۴۱/۱۲)، مسند عبد بن حمید الکسي، موارد الظمان ابن حبان (الرقم: ۲۲۲۲)، السنن الكبرى نسائي (۹۳/۸۳۵۴)، مناقب أمير المؤمنين محمد بن سليمان الكوفي ۱۸۷/۲.

۳. چهار تن، از جمله حضرت خدیجه، سروران بانوان بهشتی اند: المستدرک حاکم (۱۸۵/۳) و (۲۳۵/۳).

۴. بهشت به چهار بانو مشتاق است: بحار الأنوار (۵۳/۴۳)، نیز: بحار الأنوار (۲۰۸/۴۹) و ۴۴۶/۷۵ نقل از کتاب مولد فاطمة لابن بابويه.

۵. بهترین بانوی بهشت: مسند أبي يعلى الموصلي ۵۲۲/۱: ۳۹۹.

۶. سرور بانوان جهان: کتاب المصنف ابن أبي شيبة، کتاب الفضائل، فصل فضائل فاطمة، رقم ۱۳۳۲۳ (۱۲۷/۱۲)، مستدرک حاکم (۱۵۶/۳)، تلخیص المستدرک ذهبی که آن را صحیح می داند، مناقب محمد بن سليمان الكوفي ۱۹۷/۲.

۷. برترین بانوی جهان: المستدرک حاکم ۵۹۴/۲.

۸. چهار بانو که بهترین بانوان جهان اند: المصنف عبد الرزاق صنعاني (۴۹۳: ۹۴۹۲/۷)، الآحاد والمثاني ضحاک (۳۶۴/۲۹۶۱/۵)، السنن الكبرى بیهقي (۶: ۳۶۷)، مجمع الزوائد للهيثمی (۲۱۸/۹)، الاستيعاب لابن عبد البر درهامش الإصابة (۴/۳۷۷) و (ص ۲۸۴ و ۲۸۵)، الإصابة ابن حجر العسقلاني (۴/۳۷۸)، أسد الغابة ابن الأثير (۵/۴۳۷)، ذخائر العقبی طبري (ص ۴۴)، ينابيع المودة قندوزي (ص ۲۰۴ و ۲۱۸) ط الحيدرية و (ص ۱۷۳) ط اسلامبول، شرح الأخبار مغربي (۳/ ۵۲۵)، العمدة ابن البطريق (ص ۵۸)، بحار الأنوار (۵۱/۴۳)، كشف الغمة اربلى نقل از کتاب معالم العترة عبد العزيز بن الأخضر الجناذی (گنابادی)، صحیح مسلم (۱۳۲/۷)، سنن الترمذی (۳۶۶/۵: رقم ۳۹۸۰)، صحیح ابن حبان (۴۰۲/۱۵)، المعجم الكبير طبراني (۴۰۲/۲۲) و (۲۳/۱۶-۱۱)، رياض الصالحين نووي (ص ۲۰۹ رقم ۴۴)، تفسیر القرطبي (۸۳/۴)، الدر المنثور سيوطي (۲۳/۲) نقل از ابن أبي شيبة و بخاري و مسلم و ترمذی و نسائي و ابن جرير و ابن مردويه، فتح القدير شوکاني (۱: ۳۳۹)، تاريخ بغداد خطيب (۷: ۱۹۴) و (۹: ۴۱۱)، تاريخ مدينة دمشق (۷۰/۱۰۶ و ۱۱۱ و ۱۱۲).

۹. خداوند چهار تن را برگزید: کتاب النوادر راوندي (ص ۲۶۰)، مناقب ابن شهر آشوب (۱۰۴/۳)

نقل از کتاب **أبي بكر شيرازي**، بحار الأنوار ۳۴۵/۲۹ و (۹۳۶/۴۳) از شیرازی و مقاتل، و أبو نعيم در حلیۃ الأولیاء و ابن البیع در مسند و خطیب در تاریخ و ابن بطة در إبانة و سمعانی در فضائل به أسانیدشان از أنس. ثعلبی در تفسیرش و سلامی در تاریخ خراسان و أبو صالح مؤذن در أربعین به أسانیدشان از أبوهیرة. در روایت مقاتل و ضحاک و عكرمة از ابن عباس آورده که افزود: و أفضلهنَّ فاطمة (بترین بانو در میان این برگزیدگان، فاطمه است).

۱۰. تو را از میان زنان جهان، چهارتن بسنده است: المصنّف صنعاني (۱۱:۴۳۰)، المصنّف ابن أبي شيبة (۵۳۰/۷)، مسند أبي يعلى الموصلي (۵/۳۸۰ رقم ۳۰۳۹)، صحيح ترمذي (۵/۳۶۷ ح ۳۹۸۱)، المستدرک حاکم (۱۵۷/۳ - ۱۵۸)، تلخیص المستدرک ذهبی (۳/۱۵۸)، الاستیعاب ابن عبد البر چاپ شده در هامش الإصابة (۴/۲۸۵ و ۳۷۷)، الإصابة ابن حجر (۴/۳۷۸)، ذخائر العقبی طبري (ص ۴۳)، ينابيع المودة قندوزي (ص ۱۷۲ و ۱۸۳ و ۱۹۸) ط اسلامبول و (ص ۱۹۹) [در اینجا حدیث را صحیح می‌داند] و (۲۳۴ و ۲۰۲) ط الحیدریة، مناقب علي ابن أبي طالب ابن المغازلي (ص ۳۶۳ ح ۴۰۹)، الفصول المهمة ابن الصباغ (ص ۱۲۹)، مصابيح السنة بغوي (۲/۲۸۳)، إحقاق الحق (۱۰/۵۹)، مشکل الآثار طحاوي (۱/۴۸)، معالم التنزيل بغوي (۱/۲۹۱)، تفسير الخازن (۱/۲۹۱)، مشکاة المصابيح (۳/۲۶۸)، كنز العمال (۱۲۷/۱۳) ط ۲ حیدرآباد، تذهیب التهذیب ذهبی (ص ۱۳۴)، البداية ابن کثیر (۲/۶۱)، تهذیب التهذیب ابن حجر (۴/۴۱)، طرح التثريب (۱/۱۴۹)، الكشف والبيان ثعلبي (مخطوط)، الخصائص سيوطي (۲/۲۶۵)، الجامع الصغير سيوطي (۱/۵۰۵)، الثغور الباسمة في مناقب سيدتنا فاطمة سيوطي (ص ۱۳)، جمع الوسائل هروي (۱/۲۷۰)، أرجح المطالب (ص ۲۴۳)، شرح ثلاثيات مسند أحمد (۵۱۱/۲)، وسيلة المآل (ص ۸۰)، جمع الفوائد من جامع الأصول فاسي (۲/۲۳۳)، الفتح الكبير نيهاني (۲/۷۲)، مفتاح النجا بدخشي (مخطوط)، السيف اليماني المسلول (ص ۲۰)، فرائد السمطين ۴۴/۲، العمدة ابن البطريق (ص ۳۸۷) نقل از صحيح ترمذي، العمدة (ص ۳۹۲) نقل از صحيح مسلم، بحار الأنوار (۱۴:۱۹۵) نقل از ثعلبي، بحار الأنوار (۱۴:۲۰۰ - ۲۰۱) نقل از خصال (۱۶۴/۱ و ۹۶:۱) چاپ جديد، بحار الأنوار (۷/۲ و ۲۹:۳۴۴) و (۶۸/۳۷)، جامع الأصول (۹/۱۲۵) حديث ۶۶۷۰ و در چاپ دیگر (۹/۸۱) حديث ۶۶۵۸، مسند أحمد (۳/۱۳۵) و (۲۲۲/۴) (۵/۳۶۲)، مستدرک حاکم (۳/۱۵۷) و (۴/۱۵۸)، صحيح ترمذي (۵/۷۰۳) حديث ۹۳۸۷۸، منتخب مسند عبد بن حميد الكسي (ص ۵۹۷/۲۰۵)، المعجم الأوسط طبراني (۷/۲۵۴)، المعجم الكبير طبراني ۴۰۲/۲۲.

۱۱. رسول الله ﷺ چهار خط بر روی زمین کشید تا به چهار بانوی برگزیده اشاره کند: مسند أبي يعلى (۱۱۰/۵ ح ۲۷۲۲)، خصال شيخ الصدوق (ص ۲۲)، بحار الأنوار (۱۶۲/۱۳-۱۶۱)، تفسیر العسكري (۱۴۴-۱۴۳)، الاحتجاج (ص ۲۰۶)، الخصال (۸۲:۱)، بحار الأنوار (۱۶۸/۱۴)، تفسیر فرات (ص ۱۱۳)، مسند أحمد (۲۹۳/۱) و (۳۱۶/۱) و (۳۲۲/۱)، مستدرک حاکم (۱۶۰/۳)، المعجم الكبير طبراني (۲۶۶/۱۱) و (۷/۲۳)، تهذيب الكمال مزي ۲۴۹/۳۵.

پنجم. برتری حضرت خدیجه بر دیگران

سُبکی کبیر گوید: به عقیده ما، فاطمه برترین بانو است و پس از او، خدیجه و سپس عایشه. خلاف این مطلب شهرت دارد، ولی بهتر است که از حق پیروی شود. ابن القیم گوید: اگر مراد از برتری کثرت ثواب نزد خدا باشد، این امری است که خبری از آن نداریم. زیرا عمل قلوب برتر از عمل اعضای بدن است. ولی اگر بر اساس کثرت علم بگوئیم، ناگزیر عایشه برترین است؟! اگر بر اساس شرافت اصل و نسب بگوئیم، بی تردید فاطمه برترین است. این فضیلتی است که هیچ کسی جز خواهرانش در آن مشارکت ندارد. و اگر شرع سیادت مورد نظر باشد، نصّ فقط برای فاطمه ثابت می شود. حافظ پس از نقل کلام سُبکی گوید: فاطمه از خواهران خود برتر است، به اینکه آنان در زمان حیات پیامبر ﷺ، از دنیا رفتند. از سوی دیگر، فضیلتی که عایشه با فضیلت علم دارد، امتیاز خدیجه در سبقت به اسلام آوردن و فراخواندن به آن و کمک به استواری دین با بذل مال و جان و توجّه تامّ با آن برابری می کند. بدین روی همانند پاداش تمام آیندگان برای اوست. و قدر این فضیلت را کسی جز خدا نمی داند. برخی گفته اند: اجماع بر افضلیت فاطمه منعقد است. و در درجه بعد، بین افضلیت عایشه و خدیجه اختلاف است. در فیض القدير نوشته مناوي شرح الجامع الصغير سیوطی (۵۷۴/۳ ح ۳۸۸۲) آمده است: خدیجه بنت خویلد بانوی قرشی آزدي است که شرافت ظاهر و حسب فاخر دارد و برترین همسر پیامبر است. حافظ عراقی این مطلب را تأیید می کند. ابن العماد همین سان گفته است. گرچه سبکی بر این دو در این کلام، سبقت گرفته است. فتح الباري ابن حجر (۳۲۱/۶) و (۱۰۵-۱۰۶/۷)، التعجب کراچي (ص ۳۶). بنگرید: المراجعات سيد شرف الدين (ص ۳۱۵)، النص والاجتهاد (ص ۴۲۰)، البداية والنهاية ابن کثير ۱۰۰/۸.

ششم. برخورد عایشه با او

۱. حسادت عایشه بر او

الذریة الطاهرة النبویة دولابی (ص ۳۱) می‌نویسد: پیامبر از خدیجه به نیکی یاد کرد. عایشه گفت: پیر زالی بود. پیامبر از سخن او رنجید. نیز: شرح الأخبار مغربی (۲۱/۳)، تحفة الأحوذی مبارکفوری ۲۶۳/۱۰-۲۶۴.

عایشه گوید: «ما حسدت امرأة ما حسدت خدیجة، وما تزوجني رسول الله صلی الله علیه و آله إلا بعدما ماتت» (من بر هیچ کسی رشک نبردم چنانکه بر خدیجه حسد بردم. و پیامبر، فقط پس از درگذشت خدیجه بود که با من ازدواج کرد). مراد عایشه این است که اگر در زمان عایشه، خدیجه زنده بود، عایشه بیشتر بر او حسد می‌برد، زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله به خدیجه بشارت داده بود. بدین روی غیرت ورزیدن عایشه بر خدیجه دو علت دارد: یکی اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار از او یاد می‌کرد. دوم اینکه حضرت خدیجه به این بشارت اختصاص داشت. و این محبت فراوان پیامبر به او را نشان می‌دهد.

۲. دشمنی عایشه با او

در کتاب الجمل للشیخ المفید (ص ۲۱۹) می‌نویسد: عایشه با خدیجة بنت خویلد علیها السلام دشمنی می‌کرد و مانند هوو با او خصومت داشت. البته جایگاه او نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌دانست و این جایگاه بر او گران می‌آمد. این دشمنی به حضرت زهرا هم رسید، لذا عایشه نسبت به مادر و دختر دشمنی می‌ورزید.

هفتم. بستگان

۱. حسنین علیهما السلام

در امالی صدوق (ص ۵۲۲) آمده است که منادی پیامبر در مدینه ندا داد. مردم در کنار حضرتش در مسجد گرد آمدند. پیامبر به خطبه ایستاد و ضمن سخنانش فرمود: ای گروه مردمان! آیا خبرتان ندهم به کسی که بهترین جدّ و جدّه را دارد؟ گفتند: بلی ای رسول خدا. فرمود: حسن و حسین، که جدّشان محمد و جدّه شان خدیجة بنت خویلد است.

۲. امام حسین علیه السلام

نوه اش حسین علیه السلام در روز عاشورا ضمن معرفی خود به لشکر امویان فرمود:
 أنشدکم الله، هل تعرفونی؟ قالوا: نعم، أنت ابن رسول الله صلی الله علیه و آله و أحد سبطیه. قال: أنشدکم
 الله، هل تعلمون أن جدي رسول الله صلی الله علیه و آله؟ قالوا: اللهم نعم. قال: أنشدکم الله، هل تعلمون أن
 أمي فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله؟ قالوا: اللهم نعم. قال: أنشدکم الله، هل تعلمون أن أبي علي
 بن أبي طالب علیه السلام؟ قالوا: اللهم نعم. قال: أنشدکم الله، هل تعلمون أن جدتي خديجة بنت
 خويلد، أول نساء هذه الأمة إسلاماً؟ قالوا: اللهم نعم. الأمالي شيخ الصدوق (ص ۲۲۲)، اللهوف
 سيد ابن طاوس الحسني (ص ۵۳).

۳. نوه اش: امامة

در الطبقات الكبرى لابن سعد ۳۹/۸ از او یاد شده است.

۴. فرزندان اش

ذخائر العقبی للطبري (ص ۱۵۱)، شرح الأخبار للمغربي ۱۵/۳، کتاب المنمق لابن حبيب (ص ۲۴۷).

۵. فاطمه زهراء

ولادت فاطمة: الثاقب في المناقب ابن حمزة (ص ۲۸۵)، أمالي صدوق (۴۷۵)، المناقب ابن شهر
 اشوب (۳: ۳۴۰)، روضة الواعظین: (۱۴۳)، الخرائج والجرائح (۵۲۴/۱: ۲)، دلائل الإمامة (ص ۸)، ینابیع
 المودة (۱۹۸)، ملحقات إحقاق الحق (۴: ۱۹)، معالم الزلفی (ص ۳۹۰).

۶. قاسم. بحار الأنوار ۱۵/۱۶

۷. الطاهر: بحار الأنوار (۱۶/۱۶). در أسد الغابة لابن الأثیر (۵۰: ۳) گوید: طاهر پسر هالة و برادر

هند بن أبي هالة الأسدي التميمي است که اسم أبي هالة نباش بود. ۸ و ۹. زينب و أم کلثوم:
 نصب الراية للزيلعي (۳۰۷/۲) کتاب الصحابة ابن الأثير گوید: زينب بنت رسول الله صلی الله علیه و آله بزرگترین
 دختر پیامبر بود و مادرش خديجة بنت خويلد که در سال هشتم درگذشت و پیامبر خود،
 قبل از دفن در قبرش وارد شد. خواهرش ام کلثوم در سال نهم درگذشت و رسول الله صلی الله علیه و آله
 بر پیکر او نماز گزارد.

۱۰. رقیة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله: مادرش خديجة بنت خويلد رضي الله عنهما است. به

روایت مصعب بن عبد الله، خديجه برای رسول الله صلی الله علیه و آله فاطمه و زينب و رقیة و أم کلثوم را
 زاد. تهذيب الكمال مزي (۳۴: ۲۳). ۱۱. پسرش هند: در کتاب البداية ابن كثير (۳۵: ۶) گوید: هند

ربیب (فرزند خوانده) رسول الله صلی الله علیه و آله بود که مادرش خدیجه بود. او می‌گفت:

من از جهت پدر، مادر، برادر و خواهر، گرامی ترین مردم ام. پدرم رسول خدا است (که همسر مادرش بود)، مادرم خدیجه، برادرم قاسم، خواهرم فاطمه. هند روز جمل در رکاب علی کشته شد. المنتخب من ذیل المذیل علی الطبری (ص ۴۰)

۱۲. نوه دختری او

محمد بن صیفی نوه دختری خدیجه است، مادرش هند بنت عتیق بن عامر بن عبد الله بن عمر بن مخزوم بود و مادرش خدیجه. الإصابة ابن حجر ۱۴: ۶/۷۷۹۴. ۱۳. نوه دختری دیگر محمد الأوسط ابن امیرالمؤمنین علیه السلام، که مادرش أمّامة بنت أبي العاص بن الربیع بود که مادر امامة، زینب بنت رسول الله صلی الله علیه و آله بود و مادر زینب، خدیجه. الطبقات ابن سعد ۳: ۲۰.

۱۴. جدّ مادری

جدّ مادری او، عمرو بن خنثر، از قهرمانان دوره جاهلیت بود. تاج العروس زبیدی ۱۹۰/۳.

۱۵. پدر

پدرش خویلد بود که با قوم تبع درگیر شد، وقتی که تبع خواست حجرالأسود را به یمن ببرد. خویلد، با گروهی از قریش با او درافتاد. تبع خوابی دید که از این کار هراسید، لذا از این تصمیم بازگشت و حجرالأسود را در جای خود نگاه داشت. در سبل الهدی للصالحی (۱۱: ۱) و تاج العروس (۱۰: ۶) و (۸۶/۶) گوید: «أبي الخسف» لقب خویلد پدر خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله است. یحیی بن عروۃ بن الزبیر در باره اش گوید:

أبّ لي أبي الخسف قد تعلمونه وفارس معروف رئيس الكتاب

۱۶. جدّه او

نهیة (بر وزن سمیة)، دختر سعید بن سهم أمّ ولد أسد بن عبد العزّی بن قصی مادر خویلد و جده سیده خدیجة علیها السلام است. تاج العروس ۳۸۲/۱۰.

۱۷. امامان معصوم علیهم السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه مادرمان و خدیجه بنت خویلد والده ماست. شرح الأخبار

مغربی ۶۴/۳. ۱۸. پسر عمّ

ورقة بن نوفل بن أسد بن عبد العزّی پسر عموی أمّ المؤمنین و جدّه اهل البيت خدیجة

بنت خویلد بن أسد بن عبد العزی رضی الله عنها است. ابن مندۀ گوید: در باره مسلمانی او اختلاف نظر است. اظهر این است که قبل از رسالت درگذشته است. تاج العروس زبیدی (۷: ۸۶). در شرح الأخبار للمغربی (۳: ۱۵) گوید: او بر دین نصرانیت بود و کتابهای آسمانی را خوانده بود. پیوسته تذکر می داد که پیامبری از قریش برانگیخته خواهد شد. به خدا سوگند او پیامبری است که باید انتظارش را کشید. در این زمینه اشعار زیادی سرود. و قبل از بعثت حضرت محمد ﷺ به نبوت درگذشت.

در شرح الأخبار للمغربی (۱۸۳/۱) شعر او را نقل می کند:

لججت وكنْتُ في الذکری لجوجاً لهم طال ما بعث النشيجا

این ابیات نیز در الإصابة لابن حجر ۶۳۴/۳ آمده است:

هذي خديجة تأتيني لأخبرها ومالنا بخفي الغيب من خبر

بأنَّ محمّداً سيسود قوماً ويخصم من يكون له حجيجا

در البداية والنهاية ابن کثیر (۲: ۳۶۲) آمده که ورقه سرود:

لقد نصحتُ لأقوامٍ وقلتُ لهم أتبکر أم أنت العشية رائح

أنا النذيرُ فلا يغركم أحد وفي الصدر من إضمارك الحزن قاذح

او وصیتی به خدیجة بنت خویلد ؓ دارد که در این منابع آمده است: أمالي مفید

(۱۸۵/۱)، أمالي طوسي (۳۰۲/۵۹۸) ط جدید، البداية ابن کثیر (۳: ۳۵) و ۳۶۲/۲.

۱۹. خواهرش هاله بنت خویلد

هاله بنت خویلد بن أسد خواهر خدیجة أم المؤمنین بانوی صحابی و مادر أبي العاص

بن الربیع است. تاج العروس (۸: ۱۷۶)، الشفا قاضي عیاض (۱: ۱۲۷)، المنتخب من ذیل المذیل

طبری (ص ۴۱).

۲۰. خواهرزاده اش ابوالعاص أبو العاص که نامش لقیط بن الربیع بن عبد العزی بن عبد

شمس العبشمی است، داماد رسول الله ﷺ بود که روز بدر به اسارت مسلمانان درآمد. او

پسر خواهر خدیجة بنت خویلد بود که به کنیه اش ابوالعاص شهرت داشت. اسم او را

مہشم، ہشیم، قاسم گفته اند و لقیط اصح است. تاج العروس للزبیدی ۲۱۷/۵.

۲۱ و ۲۲. برادر و برادرزاده: حکیم بن حزام بن خویلد بن أسد القرشی الصحابی که

در شمار «المؤلفة قلوبهم» بود، سپس نیکو اسلام آورد. پس به اتفاق نظر، صحابی است. پدرش حزام بن خویلد است که برادر خدیجه بنت خویلد است. سیره ابن هشام الحمیری (۲۳۶/۱)، تاج العروس ۲۴۶/۸.

۲۳ و ۲۴. خواهر و خواهرزاده اش رقیقه و أمیمة خواهرش رقیقه بود که دختر او أمیمة نام داشت. رقیقه بنت خویلد بن أسد خواهر خدیجه بنت خویلد بود و أمیمة دختر خاله اولاد رسول الله صلی الله علیه و آله از خدیجه می بود. أسد الغابة ابن الأثیر (۵: ۴۰۳)، شرح سنن النسائي سیوطی (۱: ۳۱) ۲۵. نوه خواهرش حکیمه

حکیمه بنت أمیمة بنت رقیقه بود که رقیقه خواهر خدیجه بنت خویلد بود. پدر أمیمة، عبد الله بن بجاد التمیمی بود و حکیمه بانویی تابعی است. تاج العروس ۸: ۲۵۴ ۲۶. برادرزاده اش زبیر

در الفائق فی غریب الحدیث زمخشری (۱: ۲۹۱) گوید: خدیجه عمّه زبیر است، زیرا خویلد بن أسد پدر عوام و خدیجه است، پس حضرت خدیجه عمّه عبد الله بن زبیر بود، چنانکه جدّ را پدر می دانند. شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد (ج ۴ ص ۶۲).

هشتم. دیگر نزدیکان خدیجه

۱. بستگان سببی

المنتخب من ذیل المذیل للطبری (ص ۶). در المجموع نووی (۱۹: ۳۸۱) گوید: عبد العزّی بر عبد الدار مقدّم است، زیرا دامادهای رسول الله صلی الله علیه و آله در میان آنها بودند. و خدیجه بنت خویلد از آنان بود. در روضة الطالبین نووی (۵: ۳۲۱) گوید: بنی هاشم را مقدّم می دارند، و بنی مطلب بر دیگر افراد قریش بر آنها تقدّم دارد، سپس بنی عبد شمس و بنی نوفل برادران هاشم، بنی عبد شمس از آنهایند، زیرا او برادر ابوینی هاشم است، و نوفل برادر پدری او، آنگاه بنی عبد العزّی و بنی عبد الدار که دو پسر قصی بودند. بنی عبد العزّی بر آنها مقدم است، زیرا دامادهای رسول الله صلی الله علیه و آله بودند و خدیجه رضی الله عنها بنت خویلد بن أسد بن عبد العزّی است.

۲. قابله خدیجه قابله او سلمی مولاة صفیّة بود. الإصابة ابن حجر (۹۹/۸) رقم ۱۱۰۹۲.

۳. واسطه تزویج

نفیسه برای تزویج رسول الله ﷺ و خدیجه بنت خویلد کوشید که به ازدواج آن دو بزرگوار انجامید. الطبقات الكبرى ابن سعد ۲۴۴/۸

۴. ماشطه او

أم زفر: أم زفر ماشطة خدیجه بنت خویلد بود. او عمری دراز یافت تا اینکه عطاء بن أبی رباح او را دید. البداية ابن کثیر (۱۷۷/۶) و (۳۲۵/۶)، أسد الغابة، الشفا قاضي عیاض ۱۳۱/۱.

۵. برخی از مدعیان خویشاوندی او

در الاستغاثة لأبي القاسم الکوفي (۱:۷۰) گوید: بین من و یکی از منسوبین به هند مجادلات و مناظراتی روی داد در مورد نسبت به خدیجه و آنچه در مورد جده خود هاله خواهر خدیجه از آن بی خبرند. وقتی مطلب صحیح را به آنها گفتم، بر آنها گران آمد، و با من ستیزه بسیار کردند. به آنها گفتم که این ناشی از جهل آنها نسبت به نسبشان باشد، و حقیقت این است که خدیجه هرگز با کسی غیر از رسول الله ﷺ ازدواج نکرده است.

۶. یزید بن هاله

یزید بن عمر أبو عبد الله التميمي: در أسد الغابة ابن الأثير (۷۴۷۰/۵:۴۵۶) گوید که او از نسل أبي هاله النباش بن زرارة، همسر خدیجه بنت خویلد بوده که از ابن لأبي هاله از امام حسن بن علي ؑ روایت می کند. گوید: از دانی ام هند بن أبي هاله اخلاق رسول الله ﷺ را پرسیدم - تا آخر حدیث که طولانی است. در همان منبع، حدیث او عن الحسين بن علي، عن أبيه علي بن أبي طالب ؑ نیز آمده است.

۷ و ۸. خدیجی اکبر و خدیجی اصغر الخدیجی: در رجال نجاشي (ص ۲۶۶ رقم ۶۹۲)

آمده: علي بن عبد الله بن محمد بن عاصم بن زيد بن عمرو بن عوف بن الحارث بن هاله بن أبي هاله النباش بن زرارة بن وقدان بن أسيد بن عمرو بن تميم أبو الحسن معروف به خدیجی که خدیجی اصغر است. خدیجی اکبر نیز داریم که علي بن عبد المنعم بن هارون است. به او خدیجی گویند، زیرا مادر هاله بن أبي هاله، خدیجه بنت خویلد رضي الله عنها است. الفهرست طوسي (ص ۸۷) گوید که او کتاب «خدیجه و عقبها و أزواجها» را نوشته است.

نهم. خانه خدیجه

در فتوح البلدان بلاذری (۱:۵۷) آمده است: عبد شمس دو چاه حفر کرد، و آنها را «خُم» و «زُم» نامید، چنانکه کلاب بن مَرّة دو چاه خود را نامیده بود. «خُم» در منطقه ردم، و «زُم» در کنار خانه خدیجه بنت خویلد بود. در کتاب معجم ما استعجم للبکری (۲: ۵۱۰) از اَبی عبیده می‌آورد: «خُم» چاهی است که عبد شمس در بطحاء بعد از چاه عجول حفر کرد. بکری می‌افزاید: ومن «زُم» یا «زُم» را نیز حفر کرد. (نام اول، معتبرتر است) که در کنار خانه خدیجه بنت خویلد جای دارد. در تاریخ الطبری (۳: ۳۶) گوید: منزل خدیجه در آن زمان همان خانه‌ای است که امروز هم به این نام شناخته شده است و آن را «منزل خدیجه» می‌شناسند. معاویه با چند مکان دیگر خرید و آن را مسجد قرار داد که مردم در آن نماز می‌گزارند، با همان بنایی که آن روز بود. سنگی که در جنب چپ از در ورودی خانه است، همان است که رسول الله صلی الله علیه و آله زیر آن می‌نشست و از آزار سنگهای مشرکان که از خانه ابولهب و خانه عدي بن حمراء الثقفي پرتاب می‌شد، خود را می‌پوشانید. محمد بن علوي المالکي در کتاب مناقب خدیجه الکبری (ص ۲) می‌نویسد: خانه خدیجه بنت خویلد همسر پیامبر صلی الله علیه و آله که اسلام را با اموال خود یاری کرد، تا آنجا که گفتند: «ما قام الإسلام إلا بسيف عليٍّ وأموال خديجة»، در سوق الصاغة قرار دارد که از سوق الطویل پشت مسعی جدا می‌شود. این خانه مهبط وحی و تنزیل وزادگاه فاطمة الزهراء علیها السلام بود. در کلمة التقوی شیخ زین الدین (۳: ۴۹۹) گوید: شایسته است که زائر، منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کند، همان که منزل همسرش جناب خدیجه بنت خویلد علیها السلام است. پس از وفات خدیجه تا زمان هجرت به مدینه نیز در آن می‌زیست. فرزندانش در این خانه زاده شدند. این مسجد، اکنون در کوچه‌ای به نام زقاق الحجر جای دارد، و به آن، مولد فاطمة الزهراء علیها السلام نیز می‌گویند.

دهم. وفات خدیجه

۱. روز و سال وفات بانو. در بحار الأنوار (۵: ۱۹) به نقل از مسأّر الشیعة للمفید (ص ۶) گوید: در روز دهم ماه ی رمضان سال دهم از بعثت، سه سال قبل از هجرت امّ المؤمنین خدیجه

درگذشت. در الحداثق الناضرة یوسف بحرانی (۱۷:۴۲۳) آمده که آن سال را عام الحزن نامیدند.

در بحار الأنوار (۱۶:۱۳) می‌نویسد که راوی گفت: حضرت خدیجه در ۶۵ سالگی درگذشت، حدود سه سال قبل از هجرت، و کمی بعد از خروج مسلمانان از شعب ابی طالب. پیکر او را از خانه‌اش آوردیم و در حجون به خاک سپردیم. رسول الله ﷺ در قبر او وارد شد. آن زمان نماز بر میت تشریع نشده بود. در التنبيه والإشراف مسعودی (ص ۱۹۹) می‌نویسد:

جناب ابوطالب عموی پیامبر در هشتاد و چند سالگی، و همسر پیامبر، خدیجه در ۶۵ سالگی، هر دو در سال دهم بعثت به فاصله سه روز درگذشتند، و این حدود هجده ماه پس از خروج بنی هاشم از شعب ابی طالب بود. بلاذری در انساب الاشراف (۱/۱۸۶) از برخی راویان نقل می‌کند که حضرت خدیجه پنج سال پیش از هجرت درگذشت، ولی این سخن را غلط می‌داند.

در مستدرک حاکم (۳:۱۸۲) آمده است: حضرت خدیجه در حجون دفن شد. پیامبر در قبر او وارد شد. بانو در زمان ازدواج ۲۸ سال داشت. مادرش فاطمة بنت زائدة بن الأصم، و مادر او هالة بنت عبد مناف بود. از هشام بن عروة نقل است که وفات خدیجه بنت خویلد رضي الله عنها در ۶۵ سالگی قول شاذ است، و به نظر من سنّ او به ۶۰ سالگی نرسیده بود. در المنتخب من ذیل المذیل علی الطبري (ص ۸۶) می‌نویسد: حضرت خدیجه در حجون دفن شد. پیامبر در قبر او وارد شد.

۲. واکنش رسول خدا و صدیقه کبری به وفات خدیجه

یعقوبی می‌نویسد: رسول خدا در بیماری واپسین حضرت خدیجه نزد او رفت، در حالی که بسیار غمگین بود. به او فرمود: دشوار است بر من آنچه می‌بینم، ولی امید می‌برم که خداوند در این ناخوشنودی من خیر کثیر قرار دهد. پس از وفات خدیجه فاطمة گریان به رسول الله ﷺ پناه آورده بود و می‌گفت: مادرم کجاست؟ جبرئیل فرود آمد و به پیامبر گفت: به فاطمه بگو که خدای تعالی برای مادرت خانه‌ای در بهشت بنا کرده که در آن رنج نمی‌کشد.

ابوطالب در ۸۶ یا ۹۰ سالگی سه روز بعد از خدیجه درگذشت. وقتی خبر رحلت ابوطالب را به پیامبر دادند، این خبر بر رسول خدا دشوار آمد. پیش آمد و فرمود: عمو جان! در کودکی مرا سرپرستی کردی و در حال یتیمی کفالتم را بر عهده گرفتی، و در بزرگسالی یاریم کردی. اینک خداوند از سوی من جزای خیرت دهد. پیامبر پیشاپیش جنازه او می‌رفت و می‌گفت: پیوند خویشاوندی را به جای آوردی، جزای خیر نصیبت باد. پیامبر افزود: این روزها دو مصیبت به این امت رسید که نمی‌دانم در کدام یک بیشتر سوگووارم. مراد پیامبر، فوت ابوطالب و خدیجه بود. از حضرتش روایت شده که فرمود: خدای عزوجل در باره چهار تن به من وعده نیکو داده است؛ پدرم، مادرم، عمویم و برادری که در دوره جاهلیت داشتم. البدایة ابن کثیر (۲: ۷۴)، مجمع الزوائد (۹/ ۲۱۸)، الإصابة ابن حجر (۸: ۱۰۱)، کنز العمال رقم ۳۴۳۴۵، الطبقات الکبری ابن سعد ۲۱۰/۱.

در تاریخ الطبری (۴۱۳/۲)، البدایة لابن کثیر (۵: ۳۲۱)، إعلام الوری للطبرسی (۱: ۵۳) و سیرة ابن هشام الحمیری (۲: ۲۷۳-۲۸۲) آمده که ابن إسحاق گفت: خدیجه بنت خویلد و ابوطالب در یک سال درگذشتند، سه سال پیش از هجرت به مدینه. مصیبت بر رسول الله صلی الله علیه و آله با وفات خدیجه تجدید شد، زیرا او همراه وفادار پیامبر در یاری اسلام بود. پیامبر به همسرش خدیجه و عمویش ابوطالب انس می‌گرفت. ابوطالب بازو و پشتیبان و یاور و مدافع پیامبر در برابر قومش بود. در زمان حیات ابوطالب توان آزدن حضرتش را نداشتند؛ اما پس از رحلت ابوطالب، دست قریش در آزدن پیامبر باز شد، تا آنجا که یکی از سفیهان قریش خاک بر سر پیامبر ریخت. آن گرامی با سری خاک آلود وارد خانه شد. یکی از دخترانش سر پدر را می‌شست و می‌گریست. پیامبر فرمود: دخترم! گریه نکن. خداوند از پدرت حمایت می‌کند. پیامبر می‌فرمود: تا وقتی ابوطالب زنده بود، قریش جرأت چنین رفتاری را با من نداشتند.

۳. مزار خدیجه در المنتخب من ذیل المذیل علی الطبری (ص ۸۶) آمده که خدیجه در حجّون دفن شد و رسول الله صلی الله علیه و آله وارد قبر او شد. در أسد الغابة (۷۸/ ۶ رقم ۶۸۶۷) نیز می‌نویسد که او در حجّون دفن شد. در کلمة التقوی شیخ زین الدین (۳/ ۴۹۹) می‌نویسد: زیارت قبر بانو خدیجه بنت خویلد أمّ المؤمنین مستحب است. مزار او در حجّون شناخته

شده است. همچنین زیارت قبر ابوطالب و بنی هاشم در آن مکان مستحب است.

یازدهم. کتابهای مستقل در باره خدیجه

۱. کتاب خدیجة و عقبها و أزواجها، نوشته أبي الحسن علي بن عبد الله بن محمد التميمي، الخديجي الأصغر. او خدیجی نام داشت چون جده هشتم او هاله ابن أبي هاله كانت دختر خدیجة از همسر اولش بود. پس یکی از نوادگان دختری خدیجة بنت خویلد است. او این کتاب را نگاشت تا یادبود گذشتگان خاندانش باشد. نجاشی کتاب را از او به سه واسطه روایت می‌کند. بنگرید: الذریعة آقا بزرگ الطهرانی (۷۸۹/۷: ۱۴۳) و (۵۳/۱۵: ۳۴۶).

۲. مناقب السيدة خدیجة بنت خویلد، نوشته أحمد بن محمد بن علوي الحسيني العلوي آل المحضار (۱۳۰۴ - ۱۲۱۷). الأعلام زرکلی ۲/۲.

۳. رسالة في قصة زواج النبي ﷺ بالسيدة خدیجة، نوشته أحمد المحضار یادشده.

۴. خدیجة أم المؤمنین، نوشته عبد الحمید الزهراوی. چاپ شده. الأعلام زرکلی ۳۰۲/۲.

۵. خدیجة أم المؤمنین، نوشته بشیة توفیق، معجم المؤلفین عمر کحالة ۱۲۸/۳.

۶. البشرى في مناقب السيدة خدیجة الكبرى رضي الله عنها، نوشته سيد محمد ابن علوي مالكي حسني از علمای مسجد الحرام، چاپ مکه مکرمه.

۷. همین نوشتار.

۸. الأنوار الساطعة من الغراء الطاهرة نوشته شيخ غالب السيلوي، چاپ قم

دوازدهم. منابع شرح حال او

الطبقات الكبرى لابن سعد (۸ ص ۱۴)، الاستيعاب (۴: ۲۷۹)، الإصابة (۴: ۲۸۱) قسم النساء، الترجمة (۳۳۳)، أسد الغابة (۹۵: ۴۳۴)، بحار الانوار (۱۸۱: ۱۶) و (۳۸۵: ۱۸) و (۱/۱۹)، قاموس الرجال (۱۰: ۴۳۰)، الدر المنثور للسيوطي (۲۲۹/۸)، فضائل الصحابة لابن حنبل (ص ۷۳)، طبقات ابن سعد (۷: ۸/۱۱)، المحبّر (۷۷ و ۷۸: ۴۵۲)، صفة الصفوة (۲: ۲)، سير أعلام النبلاء جلد دوم، تاريخ الخميس (۱۰: ۳۰)، ذيل المذيل (ص ۶۵)، السمط الثمين (۱۷).